



تعاون در کشورهای در حال توسعه

د. مرتضی سیدی

دستگاه خود مردم بوجود آمدند اما در دو گروه دیگر هیچ کاملاً متفاوت نبود. در کشورهای توسعه‌یافته هدف استقرار نوعی حکومت جمع‌گرایانه بود لذا نظام اقتصاد جامعه‌گرایانه را الگوی توسعه اقتصادی خود قرار دادند و تعاون تنها در چارچوب این الگو آزادی حرکت داشت تا مدتی که فقط بتواند به اهداف جامعه‌گرایانه خود خدمت نماید. تا در نظر گرفتن عقاید رهبران این جوامع نسبت به تعاون مشخص می‌شود که دولت تعاون را به شکل ابزاری برای رسیدن به

به گونه‌ای نیست که تعاون در هر سه گروه از کشورها با توسعه اقتصادی آنها همراه و همراه باشد. توسعه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری جریانی خودپوش از تکامل نیروهای اجتماعی و اقتصادی درون جامعه بود که همزمان همه نهادهای اجتماعی و اقتصادی را دستخوش تحول و دگرگونی کرد.

به عبارت دیگر در این کشورها مردم خود به جریان توسعه دامن زدند و متقابلاً از آن متأثر شدند و تعاون نیز به

استقرار کشورهای در حال توسعه سبب اصلی این نکته را در ذهن سبب‌کن می‌کند که تمام برنامه‌ها و عملیات‌های اقتصادی اجتماعی این کشورها مصروف توسعه می‌گردد. خواه این توسعه هدف باشد خواه وسیله. بدون تردید می‌توان گفت که توسعه مقصود هر سه گروه از کشورهای (کشورهای پیشرفته - کشورهای در حال توسعه - کشورهای عقب‌افتاده) اما در هر کدام ماهیتی متفاوت، مفهومی نه کاملاً یکسان و شرایطی مخصوص به خود دارد و شرایط

برنامه‌ریزی در هندوستان هدف از آن ایجاد تعداد کثیری واحدهای غیرمتمرکز اقتصادی، در بخشهای سه گانه تکامل اقتصادی می‌باشد.

اما تصویری که از جامعه‌گرایی در هند وجود دارد به دنبال هماهنگ نمودن خواسته‌های فردی با تمایلات جمعی، آنها را از طریق تعاونی‌هاست. توجه به این نکته ضروری است که منظور از جامعه نمونه سوسیالیستی، نظام اجتماعی معمول در ممالک اروپای شرقی نیست. جامعه‌گرایی به شیوه‌ای که هندوها سعی بر تحقق آن دارند، ایجاد نوعی سیستم جامعه‌گرایی منطبق بر فلسفه سیاسی "ماهاتما گاندی" است، که "جواهر لعل نهرو" نیز بدان معتقد بود و با جملاتی این چنین آن را تشریح می‌کرد:

«ما مجبوریم به این اصل معتقد باشیم که دارای سابقه‌ای روشن و مشخص هستیم مخصوصاً سابقه‌ای که بر عقاید گاندی مبتنی است. بعلاوه مقصود هندوها از نظام سوسیالیسم و لاجرم ایجاد یک حکومت بر مبنای آن، این است که از طریق برنامه‌های صحیح اقتصادی، افزایش سریع درآمدها تضمین شود. برای تلفیق این دو هدف سعی می‌شود با ایجاد سازمانهای اجتماعی «تمایلات جمعی با خواسته‌های فردی» هماهنگ شود. بنابراین تصور هندوها از توسعه، شیوه‌ای که برای نبل به این هدف ایجاد شده عبارت است از تجدید بنای سیستم اجتماعی از پایین از طریق توسعه نهضت تعاونی در روستاها و از راه پیاد کردن برنامه‌های توسعه و پیشرفت از بالا.

اگر در هند هماهنگی خواسته‌های فوری و تمایلات جمعی به نوعی پایه نظری برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی قرار گرفت در اندونزی اصل «همه اعضای یک خانواده‌اند» چنین نقشی را برعهده گرفت به این ترتیب در اندونزی تأکید بر اهمیت جمع بیشتر از هند مورد نظر قرار داشت. حکومت انقلابی مصر به رهبری "جمال عبدالناصر" نیز در پی چنین هدفی، بعد از سال ۱۹۵۷ (سال اعلام برنامه عمرانی پنج ساله اول مصر) با شدت هرچه تمامتر شروع به تعاونی نمودن رشته‌های صنعتی این کشور کرد. وی در

ایجاد طبقه متوسط جدیدی که پشتیبان سیاسی دولت جدید باشد، محسوب گردید.

- در دسته دوم از کشورهای در حال توسعه، عدالت اقتصادی حساسترین مسأله‌ای بود که رهبران سیاسی بدان می‌اندیشیدند و به دنبال یافتن نظامی اقتصادی - اجتماعی بودند تا ضمن آنکه توسعه و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را تضمین نمایند. سرانجام به عنوان مکتبی که متضمن مفاهیم معنالی عدالت و رفاه انسانی است در جامعه تثبیت گردد.

تعاون در این دسته از کشورها انتخابی است از میان الگوهای توسعه اقتصادی که باید این منظور را برآورده می‌ساخت، بارزترین شکل این برخورد با تعاون را در کشور هندوستان بعد از پیروزی انقلاب به رهبری "ماهاتما گاندی" مشاهده می‌کنیم. نهرو نخست‌وزیر فقید هند در این باره گفته بود:

«نه تنها شخصاً خود را یک پیرو مکتب همکاری و تعاون می‌دانم بلکه اعلام می‌دارم سرزمین هند نیز در انتخاب چنین راه و رسمی از هر حیث مخیر و آزاد است تا به جای هر مسیر دیگر طریق اقتصاد تعاونی را بپیماید. به عقیده من سعادت و خوشبختی ملت هندوستان جز از طریق نهضت تعاونی میسر نخواهد بود» افزون بر آن، نقش نهضت تعاونی در سیاست توسعه اقتصادی دولت هندوستان در یکی از گزارشات دولتی آن کشور چنین عنوان گردیده است.

«در یک اقتصاد برنامه‌ای که ارزش دموکراسی و جامعه‌گرایی در گرو آن است نهضت بشری تعاون باید به صورت زیربنای محکم بسیاری از رشته‌های اقتصادی (خصوصاً کشاورزی، آبیاری، صنایع کوچک تبدیلی، بازاریابی، توزیع، تدارک روشنائی روستاها، احداث خانه و تأسیسات روستایی و ایجاد زمینه‌های مودت در جوامع محلی) تجلی نماید. همچنین در صنایع متوسط و بزرگ و در حمل و نقل نیز می‌تواند یک رشته از فعالیتهای گسترده در قالب تعاون صورت گیرد.

مقصود هندوها از یک جامعه نمونه سوسیالیستی آن است که از نظر سیاست

این هدف و نهایتاً ادغام بخشی از نیروهای تولیدی که امکان تطبیق سریع با روشهای جامعه‌گرایانه را ندارند به کار گرفت.

اما در کشورهای در حال توسعه وضع به گونه‌ای دیگر است. هنگامی که عوامل کلاسیک خارجی بازدارنده دگرگونی و توسعه اقتصادی با مبارزات استقلال طلبانه و ضداستعماری این ملل تا حدودی از میان رفت، تمام وظیفه ایجاد این دگرگونی و توسعه بر دوش نیروهای سیاسی این جوامع (دولت نوپا) افتاد. این نیروی سیاسی با سه مسأله کلی روبرو شدند:

۱) یک اقتصاد روستایی بسته که عمدتاً بر نیروهای تولید کشاورزی - فتودالی به شیوه سنتی تکیه داشت.

۲) سلسله مراتب اجتماعی که در رأس آن گروه قلیلی از مالکان عمده قرار داشتند و در قاعده آن توده عظیمی از رعایا و کشاورزان که عقب ماندگی و بافت فکری ایستای آنان مانع بزرگی بر سر راه هرگونه تحول درونی و ذاتی است.

۳) نابرابری و بی‌عدالتی اقتصادی عظیمی که مانعی بزرگ بر سر راه هرگونه توسعه اقتصادی و تحول نیروهای تولیدی جامعه به شمار می‌رفت.

هر سه مورد دقیقاً با ساخت ایدئولوژیک و خاستگاه اجتماعی دولت جوان در تعارض بود و تنها خود دولت بود که باید این ساخت اجتماعی - اقتصادی را دگرگون می‌کرد. برای این کار می‌بایست نهادهای مناسب را با تشکلهای (بافت) اجتماعی این جوامع پیوند می‌داد و تعاون از جمله این نهادهاست که در غالب این کشورها پس از رهائی از استعمار یا نوسازی سیاسی به قدرت رسیده بود در این میان این کشورها، دو نوع بر خورد عمده با نهضت تعاونی داشتند:

- دولتهایی که توسعه و پیشرفت اقتصادی را برتر از خود می‌دانستند و تعاون را وسیله‌ای به حساب می‌آوردند که به توسعه اقتصادی خدمت کند، در این حالت تعاون به عنوان ابزاری برای سازماندهی و نوسازی روابط تولیدی، تخصیص منابع متناسب با این روابط و نهایتاً تغییر در جریان منافع طبقاتی و

یک سازمان کارآمد خودیاری مانند تعاون را وجود کارکنان تحصیل کرده و رهبران دوراندیش و صاحب نظر می‌داند و یکی از دلایل ضعف نهضت تعاونی در پاره‌ای از کشورها را فقدان یک کادر پرتحرک رهبری بر می‌شمارد. ولی وجود تعاونیها را یکی از ابزار بسیار لازم برای تقسیم وظایف اجتماعی میان دولت‌ها و سازمانهای خودیاری داوطلبانه می‌داند و می‌افزاید:

یکی از جنبه‌های مهم بسیاری از دموکراسیهای مغرب زمین وجود این قبیل سازمانهای داوطلبانه است که در حیات اجتماعی نقش مهمی برعهده داشته و در زمینه‌های مختلف مکمل کار مقامات دولتی و شهرداریها هستند.

اما نقش دولت در این کشورها صرفاً به رهبری محدود نمانده و تقریباً در کلیه مراحل تشکیل و اداره تعاونیها دولت عمیقاً درگیر بوده است. آموزش تعاونی که یکی از مهمترین اصول تعاون است برعهده دولت بوده، علاوه قانونگذاری و بخصوص تأمین سرمایه اولیه لازم برای آنان نیز همه از وظایف حکومت و نه خودیاری خود مردم محسوب گردیده است. تمامی این موارد خود را به شکل مشکلاتی نشان داد که موجبات کارکرد غیرقانونی و حتی شکست نهضت تعاون گردید. «در شرایطی که تعاونیها رأساً با سرمایه کامل دولت تأسیس می‌گردید، اعضاء شرکت که مسئولیت تضامنی با یکدیگر نداشتند هرگز احساس مالکیت نسبت به وجود شرکت نمی‌کردند و باورشان نمی‌شد پول موجود در واقع مایملک خود آنهاست و یا شرکت به آنها تعلق دارد و هیئت مدیره شرکت در ید خود آنهاست».

ماروین ج. وین بام در مطالعه وضعیت کشاورزی کشورهای خاورمیانه و بررسی نقش تعاونیها در آن می‌گوید: «انجام اصلاحات ارضی و ایجاد تعاونیهای کشاورزی دو سیاست مکملی است که در سایه آن تلاش شده است تا بتوان هم به عدالت اجتماعی و هم به دموکراسی سیاسی دست یافت» اما عملکرد تعاونیها را با توجه به داده‌ها و تعیین موجود چندان دلگرم‌کننده نمی‌داند. او مهمترین

کشورها مجبور شد خود را با شرایط نامطلوب تولید هماهنگی کند و وسیله‌ای برای از بین بردن شرایط نامطلوب مادی موجود در این ممالک شود. علاوه بر این نقش متفاوت، به دلیل عدم وجود هرگونه نهاد اقتصادی مدرن در روستا، تعاون نقش عمده‌ای را در فعالیتهای اقتصادی برعهده گرفت. در سال ۱۹۶۰ در «نانگانیکا» شرکتهای تعاونی توانستند حدود ۸۰ درصد از برداشت محصول پنبه را به خود اختصاص دهند. شگفت‌آور نیست اگر گفته شود که حدود ۴۵ درصد از مجموع صادرات این کشور در همان سال از طریق شرکتهای تعاونی صورت گرفته است بنابراین مجموعه این عوامل باعث شد تا دولت در این کشورها خود مسئول سازماندهی و ایجاد شرکتهای تعاونی گردد.

یک خصوصیت عمده تعاونیها در کشورهای پیشرفته و در مهد ظهور آن، وجود رهبران و پیشنوازان متفکر و متعهدی بود که توانستند نهضت تعاونی را از بطن نهضت‌های خودیاری مردمی به ثمر بنشانند. فقدان این رهبری در کشورهای در حال توسعه باعث شد این نقش بر عهده خود دولت قرار گیرد. جایگزینی دولت بجای رهبری مردمی و درون‌جوش باعث شد، نهضت تعاونی در این کشورها با دستگاه بوروکراتیک اداری پیوند بیابد. در بیشتر موارد این پیوند همچون مانعی در راه توسعه و موفقیت تعاونی عمل کرده است، چرا که هرگونه ابتکار عمل و خلاقیت و ابتکاء به خویش در اداره امور اجتماعی را که لازمه تعاون واقعی است از بین می‌برد.

و این در حالی است که در کشورهای پیشرفته، تعاون به همراه بسیاری از نهضت‌های خودیاری که صرفاً با ابتکاء بر عمل خلاقه فردی و نه تصمیم‌گیری‌های سیاسی که بایستی از کانال‌های بوروکراتیک بگذرد، نقش عمده‌ای در حل مسائل و مشکلات مردم دارد. همکاری تعاونیها و اتحادیه‌های کارگری و وجود انواع نهضت‌های خودجوش دیگر که بدست خود مردم و برای حل مشکلاتشان بوجود آمده است، شاهدهی بر این مدعاست. دکتر «مورتیز بونو» لازمه ایجاد

یک سخنرانی نقطه نظرات خود را تبیین کرد. در این سخنرانی ناصر درخواست می‌کند که نظام اقتصادی مصر باید براساس تعاونی استوار گردد. زیرا تنها چنین نظامی قادر است پاسخگوی نیازمندیهای اجتماعی مصر باشد و فقط از این طریق است که می‌توان به بهترین وجه به رفاه توأم با عدالت اجتماعی نائل آمد».

بنابراین تعاونی به عنوان پاسخی نخستین و شاید حادث‌ترین مسأله این دولتها مطرح گردید. چنین حرکتی موفق می‌شد، تغییری جدی در جریان منافع طبقاتی ایجاد می‌کرد و مسافت اجتماعی جدیدی را بوجود می‌آورد که به عنوان پایگاه محکم سیاسی این دولتها محسوب می‌گردید. به این منظور باید سازماندهی جدید اقتصادی ایجاد می‌گردید و تخصیص منابع به نحوی جریان می‌یافت که ساخت مذکور را بوجود می‌آورد. در این رابطه بافت اجتماعی - اقتصادی که برای این رژیم به ارث رسیده بود (یعنی، اقتصاد سنتی کشاورزی با گروه عظیمی از رعایا و دهقانان بدون زمین) که فعالیتهای کشاورزی بخش بزرگی از درآمد ملی آن را تشکیل می‌داد همچنین همراه با صنایعی نوپا و ابتدایی، از یک سو توانایی سازمانهای تعاونی از سوی دیگر مطرح گردید. توسعه که رشد بخش صنعت را به عنوان یک ضرورت ذاتی قلمداد می‌کرد با میزان توانایی محدود تعاونی بر رویهم باعث شد تا نقش مذکور بیشتر به بخش کشاورزی محدود شود. فقدان هرگونه نهاد اقتصادی - اجتماعی در روستا که حاصل پیشرفت و تحول اقتصاد بازار باشد و بتواند آن را به یک اقتصاد ملی سازمان یافته مبتنی بر بازار پیوند زند باعث شد تا تعاون نقش متفاوتی را در فعالیتهای اقتصادی روستایی در کشورهای در حال توسعه برعهده بگیرد. این امر بخصوص بعد از تخصیص مجدد مهمترین عامل تولید یعنی زمین (اصلاحات ارضی) رخ نمود. در این حالت وضعیت به گونه‌ای شد که تعاونی می‌بایست با شرایط و کیفیت نیروهای تولید و وضعیت اجتماعی و فرهنگی این جوامع انطباق یابد. به عبارت دیگر تعاون در این

واژه‌هایی مانند تجمع، تشکل، گروه، تشریک مساعی، همیاری، مشارکت، دموکراسی، همکاری، برابری، تصمیم‌گیری، برادری، رهبری و... همه ماهیتی اجتماعی و جمع‌گرایانه دارند.

بنابراین، کلید واژگان نهضت تعاونی دلالت بر ماهیت "جمع‌گرایی" این نهضت داشته و نشان‌دهنده آن است که نهضت جهانی تعاون سعی در برقراری و توسعه روابط اجتماعی دارد. هر تشکل تعاونی در واقع سرآغازی برای توسعه زندگی اجتماعی در جهت ایجاد و تعمیق روابط هر فرد با سایر افراد جامعه است. از این‌رو، تشکلهای تعاونی انسان را از "فردگرایی" به سوی "زندگی اجتماعی" سوق می‌دهند و قانونهایی برای زندگی و فعالیت جمعی محسوب می‌شوند.

۷- عدالت‌گرایی

هدف غایی تعاون این است که بشر را با عبور دادن از معابر اقتصادی به درجات متعالی فردی و اجتماعی نایل سازد. بنابراین، نهضت تعاونی را می‌توان شیوه‌ای مؤثر و نظام یافته برای ایجاد، تقویت و گسترش یک دگرگونی، تغییر و اصلاحات اجتماعی قلمداد نمود. در این باره، گفتنی است که اقتصاد تعاونی خود را از منفعت‌طلبی، سودجویی، استثمار و فرامین دیکته‌شده اقتصاد سرمایه‌داری و دولتی دور نموده است. اقتصاد تعاونی مرز "خدمت" و "منفعت" را برای مردم دقیقاً از همدیگر تفکیک ساخته است. این نقطه در واقع "نقطه طلایی" شروع تعارض اقتصاد تعاونی علیه اقتصاد سرمایه‌داری است.

... و کلام آخر

راز ماندگاری نهضت تعاونی به عوامل متعددی بستگی دارد. در این مقاله به برخی از آنها بطور مختصر اشاراتی به عمل آمد. امید است بخش تعاونی کشورمان با بهره‌گیری از اصول و فلسفه تعاون، گامهای امیدبخش و مؤثرتری را همانند گذشته برای گسترش هر چه بیشتر این جریان در بین مردم کشور بردارد و بدینوسیله به مرزهای توسعه اجتماعی و اقتصادی بیش از پیش نزدیک شود.

هر تشکل و نهادی تنها زمانی می‌تواند عنوان و ماهیت تعاونی به خود بگیرد که در مناسبات و ارتباطات درونی و بیرونی و نیز از جنبه ارتباط میان فردی یا میان گروهی، احترام به آراء و نظرات افراد را به مثابه یک اصل خدشه‌ناپذیر پذیرفته باشد.

بقیه از صفحه ۷

می‌توان گفت که مردم بر اثر اجرای آموزشهای تعاونی، تبدیل به گروهها و تشکلهای "هم‌اندیش" و "تعاونگر" شده‌اند.

۵- تحول‌پذیری

در دنیای کنونی، اقتصاد و تعاونی سهم قابل توجهی از اقتصاد ممالک جهان و نیز اقتصاد بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. این امر نشان از آن دارد که نهضت تعاونی پس از طی یک دوران تاریخی، همچنان از مقبولیت جهانی برخوردار است. این نهضت از آغاز تاکنون موجب بروز تحولات متعالی و ارزشمندی در جوامع انسانی شده است. در بین تحولات اقتصادی و اجتماعی که توسط نهضت تعاونی در عرصه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، از سه تحول اساسی زیر می‌توان یاد کرد: - تحول اجتماعی: مناسبات اجتماعی را به سوی تحقق عدالت، برابری، مشارکت، همکاری و... تغییر می‌دهد.

تحول اقتصادی: تلاش در جهت بسط و گسترش عدالت اقتصادی به نفع مردم و توزیع برابر و نیز دستیابی توده‌ها به منابع مادی جامعه

- تحول فرهنگی: تأکید بر برابری، عدالت‌گستری، عدم تبعیض، همکاری و اصلاح‌طلبی از جمله تحولات فرهنگی نهضت تعاونی در هر جامعه است.

۶- جمع‌گرایی

نهضت تعاونی فی‌النفسه و ذاتاً براساس تجمع انسانها و ارتباط توسعه یافته در بین آنان ماهیت وجودی به خود می‌گیرد. زیرا، هیچگاه نمی‌توان یک "واحد تعاونی" را منفرد تصور کرد. به دیگر سخن، کلیه واژگان نهضت تعاونی یعنی مفاهیم و

عامل رکود تعاونیها را «دیوان‌سالاری» می‌داند و معتقد است پایگاه شهری دیوان‌سالاران دولتی به تدریج تعاونیهای روستائی را در جهت منافع شهرنشینان منحرف می‌کند. وی معتقد است به علت کمبود سرمایه و عدم شناخت کامل مردم از تعاونی که گاه حتی سبب مخالفت آنان با تعاونی می‌گردد. دولت خود باید مشوق و پشتیبان نهضت تعاون باشد لیکن مهمترین نکته این است که هدایت و نظارت باید از نوعی باشد که ما در آموزش شیوه راه رفتن کودک دارد لیکن تعاونیهای خاورمیانه مبدل به صحنه تاخت و تاز دولت شده در حکم تیول لشکر بوروکراتها درآمده‌اند.

نتیجه‌گیری

اصول شرکت‌های تعاونی به کلی آنها را از شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری مجزا می‌نماید. شرکتهای تعاونی عملاً از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بررسی شرکت‌های تعاونی در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد سریع اولیه، در چند دهه اخیر تعداد این شرکتهای کاهش یافته است. این کاهش عمدتاً به دلیل ادغام آنها در یکدیگر بوده نه اضمحلال شرکتهای که نتیجه آن بزرگتر شدن هریک از این شرکتهاست. البته باید اذعان داشت که تعداد اعضاء این شرکتهای نیز مرتباً افزایش یافته و جمعیت بیشتری تحت پوشش فعالیت آنها قرار گرفته‌اند. بنابراین علی‌رغم کاهش تعداد شرکتهای می‌توان گفت که دامنه فعالیت نهضت تعاون در این دسته از کشورها بطور مطلق مرتباً وسیع‌تر شده است. نتیجه مشخص آنکه هیچ نشانی از افول نهضت تعاون وجود ندارد و این نهضت همچنان دامنه فعالیت‌های بشردوستانه اقتصادی و اجتماعی خود را میان مردم بیشتری گسترش می‌دهد.

در کشور ما لازم است با عنایت به اصول و ارزش‌های برخاسته از اسلام و انقلاب اسلامی و ویژگیهای خاص کشورمان شرکتهای تعاونی گسترش یافته داد و در کنار بخش‌های دیگر دولتی و خصوصی فعالیت داشته باشند.